

مقاله



نویسنده: سریرام چالیا (Sreeram Chaulia)
منتبع: آسیا تایمز (۳ آگوست ۲۰۱۰)
برگردان: حسن توان

در دسرهای اشغال افغانستان

چشم انداز ایران: یکی از اهداف آمریکا در افغانستان، مبارزه با موادمخدر و مقابله با ترانزیت کاروان‌ها بود، در حالی که امریکایی‌ها رد پای فرار طالبان را به کشورهای همسایه افغانستان همچون ایران دنبال کرده و از دولت این کشور مطالبه می‌کند، ولی معلوم نیست چرا کاروان‌های ترانزیت موادمخدر که با تجهیزات و اسلحه کامل از مرز افغانستان وارد ایران شده و از آنجا به ترکیه می‌روند و کاملاً قابل ردیابی است را دنبال نمی‌کند. آیا امریکایی‌ها قادرند با فساد که در پوروکراسی افغانستان وجود دارد و در پیوند با تجارت موادمخدر است اقدامی انجام دهند؟ آیا این شبانه به‌وجود نمی‌آید که مافیای موادمخدر آن قدر قوی است که با امریکایی‌ها قادر به مبارزه با آن نیستند و یا خود در آن نقش مهمی دارند؟ مقاله زیر تا حدی ما را به فساد درونی افغانستان رهنمون می‌کند.

افغانستان، از داشتن این ارتباطات به هیچ وجه پشیمان نیستند، زیرا همه این اعمال در جنگی که ارتش امریکا در آن زیر فشار است تا موفقیت‌های عینی برای توجیه این حمله کسب کند، عادلانه محسوب می‌شود.

پرخوردن جیب این عناصر فاسد و تقویت غیرقانونی آنها در سیاست تکه تکه شده ملی، آن‌تنجایی که ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا اعلام می‌کنند به همراه نخواهد آورد. چیزی که در این جنگ امریکایی‌ها از افغان‌ها ندیده‌اند، همان فساداری است، چنان که معروف است بسیاری از منابع مخفی افغان با طالبان هم پیوندهایی دارند. یکی از مهمترین دلایلی که امریکا توانسته با وجود نزدیک به یک دهه جنگ، توجه اصلی خود را به اهداف طالبان متمرکز کند، مشکل جاسوسان دو جانبه و حقه‌بازی‌هایی است که امریکا در افغانستان و پاکستان با آن روبه‌روست. اعتراف عناصر متصف شاغل در دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا درباره زدوبند با افغان‌ها نشان می‌دهد که بخش‌های مختلف دولت امریکا در این مورد در جهت مخالف و متضاد هم عمل می‌کنند.

ژنرال دیوید پترائوس (David Petraeus)، فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان، اولویت اصلی‌اش را به مبارزه با فساد در رژیم کرزای اختصاص داده است. واشنگتن

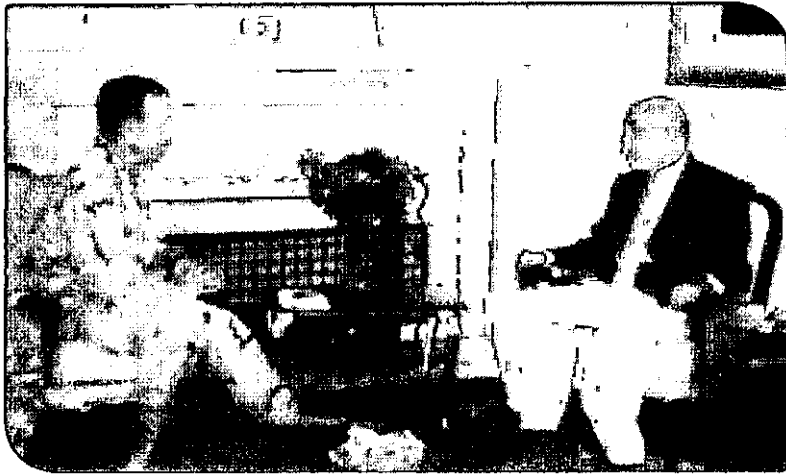
زیر افغانستان «محل دشواری» است و امریکا پیش از انجام هر اقدامی نیاز به هوشمندی و محاسبه دارد، با این وجود باید توجه داشت تضعیف یک قدرت اشغالگر، خود به خود باعث قوت‌گیری طرفداران حکومت فاسدان (Kleptocrat) خواهد شد.

اجری طرح‌های مشترک امریکا و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، نیازمند اتکاب به مقامات سرکش شبه‌نظامی برای فراهم کردن امنیت و انجام اقدامات کمکی است. البته این کار مستلزم آن است که متحدان مشکوک افغان که موافقی برای دستیابی به حکومت قانون به‌شمار می‌آیند نیز به بازی گرفته شوند. می‌توان گفت تقویت موقعیت سیاسی رؤسای کم‌اهمیت ارتش‌های خصوصی نظیر متیوالله خان (Matiullah Khan) در ولایت آروزگان، نتیجه انتخاب آنها توسط ناتو به عنوان شرکای تغذیه ماشین جنگی غرب است.

ایالات متحده به خاطر ضرورت‌های عملی، از شخصیت‌هایی مانند شان و صالحی در جنگی که به «ریگ روان» شبیه است حمایت می‌کند، در حالی که نهادها و سازمان‌های قانونی مرتبط با بخش‌های اطلاعاتی و امنیتی یا غیرقابل اتکا هستند و یا توان لازم را ندارند. جالب این که پرورش دهندگان امریکایی این پولسویان و مهره‌های اصلی موادمخدر در

افشاگری‌های تازه توسط گروه‌های نامشخص در حکومت ایالات متحده مبنی بر این که محمد ضیا صالحی، یکی از دستیاران حامد کرزای رئیس‌جمهور افغانستان از حقوق‌بگیران سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) بوده، بار دیگر توجهات را به تفاوت میان حرف و عمل در سیاست‌های اشغال افغانستان معطوف کرده است، در حالی که واشنگتن، یکی از اصلی‌ترین اهداف خود از تغییر ریافت در افغانستان را رسیدن به «حکمرانی خوب» عنوان کرده، اما مشخص است که ضرورت‌های ادامه جنگی منفور موجب ناکامی در رسیدن به این هدف شده است.

براساس گزارش منتشره در نیویورک تایمز، صالحی رئیس‌اجرایی شورای عالی امنیت ملی افغانستان، که گفته می‌شود پیوندهای نزدیکی با رئیس‌جمهور دارد و توانسته از اقدامات ضد فساد بگریزد، سال‌هاست که در فهرست حقوق‌بگیران سیا قرار دارد. همین گزارش می‌افزاید که مقامات امریکایی از اقدام سازمان‌های اطلاعاتی در پرداخت پول به مقامات افغان دفاع می‌کنند و حتی اگر این کار باعث شود که آنها به عناصری فاسد و نامطلوب تبدیل شوند. ظاهراً اتخاذ چنین شیوه‌هایی ضروری هستند،



پست اعلام کرد که پترانوس و تلاش های زیادی به کار برده تا دامنه و شیوه دزدی و رشوه خواری در حکومت افغانستان را بر ملا کند. در همین راستا کار گروه مبارزه با جرایم با کمک دستگاه اطلاعاتی امریکا، اداره مبارزه با مواد مخدر، کارشناسان دادگستری و پلیس ایجاد شد. این کار گروه به عنوان بخشی از روند تحقیق درباره به جیب زدن میلیاردها دلار پول، توسط اعضای دفتر رئیس جمهور کرزای و بوروکرات های افغان برای خرید و جلب متحدان سیاسی، مدت کوتاهی در ماه جولای، صالحی را بازداشت کرده بود.

بخش بزرگی از رای دهندگان در انتخابات کنگره امریکا طرفدار جنگ علیه فساد در افغانستان به عنوان بهترین راه حل برای شکست طالبان هستند. قانونگذاران امریکایی با آگاهی از واکنش منفی رای دهندگان خسته از جنگ، به طور فزاینده ای از حکومت می خواهند تا شیوه دخالت کم هزینه، اما دراز مدت را که بتواند در افغانستان ثبات ایجاد کند، برگزیند. برخی از اعضای ضد فساد کنگره به توقف بخشی از کمک های امریکا به افغانستان رای داده اند مگر این که دولت فاسد و اشرافی کرزای شیوه اش را اصلاح کند.

این افراد که می خواهند سوء مدیریت در افغانستان را اصلاح کنند به مکتب فکری «ملت سازی» تعلق دارند که معتقدند هدف امریکا باید تقویت و سالم سازی نهادهای نوپا باشد. واقعیت این است که رویاهای باشکوه ساختن دوباره افغانستان و تبدیل آن به پایگاه میانه روی و دموکراسی که به مردم پاسخگو باشد، توسط «مردان جنگ» که در لباس نظامی یا غیرنظامی قرار دارند و هدف اصلی شان جلوگیری از پیشرفت طالبان به هر بهاست، ضعیف شده است. مشغله اصلی مقامات ارشد نظامی امریکا، که ساز مخالف حکومت اوپاما در تعیین برنامه زمانبندی برای خروج از افغانستان را کوک کرده اند، هماهنگ کردن مواضع گوناگون و غلبه بر شکاف عمیق موجود بر سر رهیافت هاست. ژنرال پترانوس اعلام کرده بود که او مسئولیت جنگ را بر عهده نگرفته تا به سادگی شاهد «خروج محترمانه» ارتش باشد. ژنرال جیمز کانوی (James Conway)

مالی استفاده کرده بود، پرداختند و گفتند که عزم و اراده او برای پیشبرد جنگ ضعیف است. به نازگی اختلاف داخلی در میان بخش های مختلف دولت امریکا بر سر پیشبرد جنگ و زمان خروج نیروها بسیار زیاد شده، به طوری که شخصیت های دولتی در حضور مطبوعات و با هدف تکامل نهادن رقبا خود از آنها بدگویی می کنند. پیامدهای چنین آبروریزی ها و مشقت زنی به حریفان خیالی، چیزی جز به راه افتادن جنگ داخلی میان سیا، اف بی آی، پنتاگون، وزارت خارجه و کاخ سفید نبوده است.

سرزنش اوپاما به خاطر انفعال در برابر این شکاف های داخلی و یا ضعف اراده در جنگ، صرفاً واکنشی سطحی به آشفتگی های سیاسی موجود است. مسئله عمیق تری که ایالات متحده در افغانستان با آن روبرو است این است که اشغال طولانی مدت، به طور طبیعی باعث ایجاد تردید، آشفتگی و تضاد در نظام سیاسی کشور مهاجم خواهد شد. اثرات سلطه به طور اجتناب ناپذیری در داخل کشور، نتیجه عکس بر جای می گذارد. تردیدها و آشفتگی ناشی از آن نه تنها ارتش اشغالگر را دلسرد می کند، بلکه موجب نابودی ظرفیت جوامع زیر اشغال برای ساختن نهادهای مسئول خواهد شد. در حالی که افغانستان برای ساختن دولتی با ثبات که انتظارات مردم را برآورده کند می جنگد، سرزنش مداوم کرزای و سیاستمداران طماع افغان، تنزل موضوع و در بهترین حالت توجیهی ناقص است، چرا که گناه اشغالگری نیز باید به حساب آید.

فرمانده تفنگداران امریکایی با پیگیری سخنان او به طور تلویحی از اوپاما انتقاد کرده و گفته بود اوپاما با تهیه طرح بازگرداندن زود هنگام سربازان امریکایی به خانه «همزمان با مخاطبان مختلفی سخن گفته است»

استنلی مک کریستال (Stanly McChrystal)، فرمانده برکنار شده امریکایی انتقاد نیشداری از اوپاما کرد که به بهای از دست دادن مقامش تمام شد، او گفت که به نظر می رسد اوپاما «چندان توجهی به جنگ ندارد»، پس از این گفتار بود که تأثیرات مخالفت رئیس جمهور امریکا با طولانی شدن اشغال افغانستان، نظرات مختلف را به خود جلب کرد. برخی ناظران نا جای پیش رفتند که حتی به شمردن موارد کمی که اوپاما در سخنرانی هایش از کلمه «افغانستان» در مقایسه با عبارات «مراقبت های بهداشتی» و یا «مقررات

